

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نگارنده: یونس غیاثوند

۰۱ جون ۲۰۲۲

تفکر شیعه آریائی چیست؟



درست پس از فروپاشی اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم بود که فرانسیس فوکویاما، فیلسوف معروف امریکائی نظریه پایان تاریخ را اعلام کرد و باور داشت که لیبرالیسم و سرمایه‌داری آخرین عقیده سیاسی-اقتصادی در دنیای ماست. اما اشتباه کرد.

هنگامی که به تاریخ نگاه می‌کنیم، جهان همواره به دو قطب مخالف تقسیم شده است: ۱- قطب غرب، ۲- قطب شرق. سکندار و رهبر دو قطب نامبرده در هر بازه تاریخی، یک ملت از هر یک از این اردوگاه‌ها بوده است. برای مثال: در دوران پیش از اسلام، ایران ساسانی نماینده شرق، روم شرقی نماینده غرب بود و همواره هر دو قطب یک دیگر را به فساد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متهم می‌کردند. ولی یک تفاوت ویژه اخلاقی بین این دو اردوگاه وجود دارد. ذات مردم و به ویژه، حکومت‌های غرب (نه همگی) میل به اعمال منفی همچون بدقولی، ظلم، حسادت و جنگ‌افروزی دارد و بیشتر آغازکنندگان جنگ بین این دو اردوگاه در جهان، غربی‌ها بوده‌اند. حال به رهبری این دو بلوک از یک قرن پیش تاکنون می‌پردازیم.

از ۱۴۵۰ تا ۱۹۱۷ امپراتوری عثمانی رهبری اصلی اردوگاه شرق بود. هر ابرقدرت دارای یک پایه عمیق فکری مخصوص به خود است و بدون آن فروخواهد پاشید. عثمانی‌ها بیش از ۴ قرن با تکیه بر هویت اسلامی و تهاجم محوری خود توانستند بر رهبری اردوگاه غرب در طول این چند قرن که به طور مرتب بین روم شرقی، فرانسه، دولت شهرهای ایتالیا، اتریش و هنگری رد و بدل می‌شد، غلبه نمایند. ولیکن به دلیل تضعیف پایه‌های اسلامی و ضعف دستگاه نظامی کشور، آن‌ها از ۱۸۰۰ به این سو دو اهرم فشار خود را (اسلام و مهاجم بودن) از دست داده و توسط غربی‌ها متلاشی شدند.

بعد از ۱۹۱۷ انگلستان رهبری اردوگاه غرب را تا ۱۹۴۱ بر عهده داشت و برپایه استعمارگری و تفکر سیاسی تصرف زمین، خود را مستحکم ساخته بود. بعد از سال ۱۹۱۷ در سرزمین روسیه انقلاب اکتوبر زاده شد که با

محوریت فرهنگ ارتدوکس روس و فرهنگ سدشکن سوسیالیستی خود توانست تا ۱۹۹۱ اردوگاه شرق را رهبری کند و در ابتداء تهدیدات انگلستان (تا ۱۹۴۱) و سپس امریکا را علیه مردم جهان تا حد امکان خنثی کند (از ۱۹۹۱ تاکنون رهبر بلامنازع غرب است).

اتحاد شوروی با محوریت دو عنصر ذکر شده توانست از جنگ‌های فزیک و اقتصادی سرفراز بیرون آید و ضربه مهلکی به اردوگاه غرب وارد سازد. اما یک مشکل وجود داشت که در طول تاریخ ما شرقی‌ها با آن مواجه بودیم و آن ضعف در رسانه است.

چه در دوران ساسانیان و چه در دوران شوروی و چه اکنون، همواره غرب در بخش رسانه برتری داشته، جای شیطان و فرشته و سیاه و سفید را عوض کرده و تنها با چند دروغ توانسته بود که اولین کشور کارگری-کشاورزی دنیا (شوروی) و سایر قوای اردوگاه شرق را طی ۷۰ سال دروغ‌پردازی مداوم از پای دریاورد و ذهن مردمشان را مشغول به دست آوردن مک دونالد و کوکا کولا کند!

بعد از تجزیه اتحاد شوروی (۱۹۹۱)، ما تا سال ۲۰۰۱ شاید برای نخستین بار شاهد وجود تنها یک اردوگاه در جهان بودیم و عملاً شرقی وجود نداشت که در برابر زیاده‌خواهی‌های آن مقاومت کند. امریکا خود را کدخدای جهان خوانده بود و از این فرصت نهایت سوءاستفاده را کرد تا بر قدرت نامشروع خود بیفزاید (حمله به یوگوسلاوی، لیبیا، عراق و ...).

بعد از حوادث سال ۲۰۰۰ به بعد، موازنه به نفع اردوگاه شرق تغییر کرد و شاید برای نخستین بار بلوک شرق دارای یک تفکر سیاسی-اقتصادی واحد نبود و بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ ما شاهد مشارکت سه تمدن کنفسیوس چینی، ارتدوکس روس و اسلام ایرانیزه شده هستیم که توانستند منافع خود را به رغم اختلافات عقیدتی و فکری که داشتند، متحد ساخته و در برابر ابرقدرتی و زورگویی امریکا و غرب مقاومت نمایند. از سال ۲۰۰۰ امریکا (رئیس اردوگاه غرب) به لحاظ سیاسی و نظامی به ابتذال و افول کشیده شد. اکنون ما بعد از سال ۲۰۲۰ شاهد فروپاشی تقدس سیستم اقتصادی آن (سرمایه‌داری) هستیم.

سه دولت چین، روسیه و ایران خوب آگاه هستند که این جنگ دو اردوگاه مربوط به چند دهه گذشته نیست، بلکه، دارای سابقه‌ای چند صد ساله می‌باشد و آن‌ها میراث‌دار دولی همچون ماد، هخامنشیان، امپراتوری روسیه تزاری، اتحاد شوروی و سلسله چینگ هستند و این مسؤولیتی سنگین بر دوش آنان گذاشته است.

دولت چین بر روی دو پای خود (اقتصاد سالم و ارتش قوی) ایستاده و این مسیر پرشنج را با تأنی می‌پیماید. ولی روس‌ها و ایرانیان تنها بر روی پای نظامی خود راه می‌روند و همین امر می‌تواند برای آنان خطرناک باشد. هر دو دولت باید با فساد مبارزه نموده و حکومت‌های خود را از شر نفوذ سرمایه‌داری برهانند. برای این که جنگ جهانی سوم به پول و اقتصاد صنعتی مستقل محتاج خواهد بود.

نظام ایران در طول این ۴۳ سال علی‌رغم ضربات ناخواسته‌ای که به فرهنگ ایرانی زده، توانسته فلسفه شیعه اریائی را از نسخه قدیمی و مربوط به دوران صفوی دور کرده، سپس آن را با نمادهای معروف کنونی جامعه، همچون شریک دانستن ذوالقرنین و کوروش، عمومی کند تا قدری از تشنج‌های مذهبیون و ملی‌گرایان بکاهد و قوای سیاسی-عقیدتی کشور یکدست تر شود.

اکنون وقت مطرح‌سازی مسائلی همچون چه قبایل مسلمانی از اعراب به ایران حمله کردند، امازاده‌ها حقیقی هستند و یا بررسی جنایات تندروهای عرب نیست، دشمن منتظر وقوع چنین حوادثی در کشور است تا بتواند از ضعف

ژئوپولیتیکی ایران که ناشی از بی‌ثباتی داخلی است، بهره‌بردار و بتواند نابودی امپراتوری اقتصادی خود را به وقتی دیگر موکول کند.

اکنون بسیار روشن است اگر روزی امریکا بی‌خیال حفظ اسرائیل هم بشود، اجازه نخواهد داد تنگه باب‌المنندب (محل صدور ۵۰ درصد نفت دنیا) به دست ایرانیان و متحدانشان بیفتد. مسأله یمن را باید جدی گرفت و دانست که این بحران (یمن) هرگز با مذاکره حل نخواهد شد. بلکه، با زور برنده و بازنده برطرف می‌شود. امریکا و غرب توان تحمل یک شکست دیگر قیمت را در بازار نفت ندارند.

*- سخنرانی سید حسن نصرالله درباره سست تر بودن رژیم اسرائیل نسبت به تار عنکبوت، سال ۲۰۰۰، پایگاه خبری-

منطقه ای رأی الیوم

۳۰ اردیبهشت، ۱۴۰۱ خورشیدی